

پیش کا علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
انسانیت

خوشنویسی

● با صدر نشینان خطہ خط / علی مرزی



۱. میرعلی هروی

میر علی هروی از سادات حسینی شهر هرات بود. در این شهر پرورش یافت. در خوشنویسی شاگرد مولانا زین الدین محمود بود. در جوانی به دربار سلطان حسین بایقرا (متوفی ۹۱۱ هـ) راه یافت و عنوان کاتب السلطانی گرفت.

شهر هرات در دوران ۳۸ سال سلطنت بایقرا آبادترین و شکوفاترین روزگار خود را داشت. رونق و اعتلای فرهنگی و هنری هرات در این دوران و به واسطه وزارت امیر علیشیر نوایی به اوج رسیده بود. دربار هرات محفل دانشمندان، ادیبان و هنرمندان بزرگی از جمله: امیر علیشیر نوایی وزیر و خزانه دار شاه سلطان حسین بایقرا که به فارسی و ترکی شعر می سرود و فانی تخلص داشت، عبدالرحمن جامی از شعرای بزرگ آن دوره، میرخواند مورخ، واعظ کاشفی دانشمند و ادیب و خطیب و صاحب کتاب روضه الشهداء و اخلاق محسنی، روح الله میرک خوشنویس و نقاش، سلطانعلی مشهدی خوشنویس، کمال الدین بهزاد نقاش، یاری مذهب و میرعلی هروی خوشنویس و خواجه عبدالله مروارید و بسیاری دیگر بود که گرد می آمدند و غالباً شاه نیز در مجلس آنان حضور پیدا می کرد.

میرعلی پس از مرگ سلطان حسین و فتح هرات به دست شاه اسمعیل تا ۹۳۵ هـ نیز در هرات به سر برد. اما پس از هجوم عبدالله خان ازبک (برادرزاده شیبک خان) اوضاع

هرات نابه سامان شد و حاصل این کشاکش‌ها خرابی هرات و کوچاندن اهالی هرات بود به بدترین و موحش‌ترین شکل آن.

از این پس میرعلی هروی نیز به یک مهاجرت اجباری و تبعید به بخارا تن در داد. این مهاجرت و دوری از خانه و کاشانه باعث افسردگی و کدورت خاطر او شد. میرعلی که شعر نیز بسیار نغم می‌سرود در قطعه‌ای به خوبی این حالت خود را بیان کرده است:

تا که خط من بیچاره بدین قانون شد
طالب من همه شاهان جهانند و مرا
در بخارا جگر از بهر معیشت خون شد
سوخت از غصه درونم چه کنم، چون سازم
که مرا نیست از این شهر ره بیرون شد
این بلا بر سرم از حسن خط آمد امروز

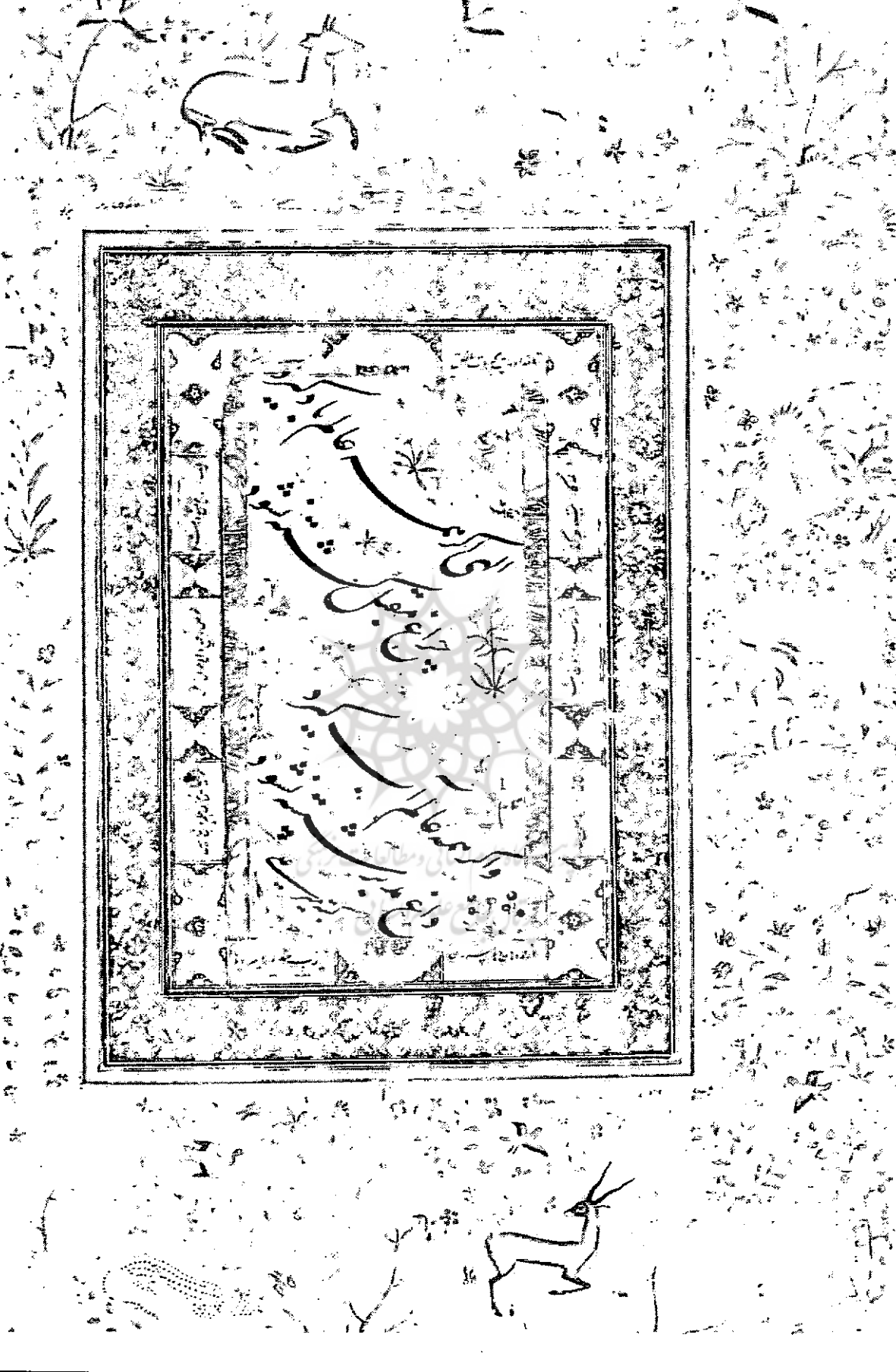
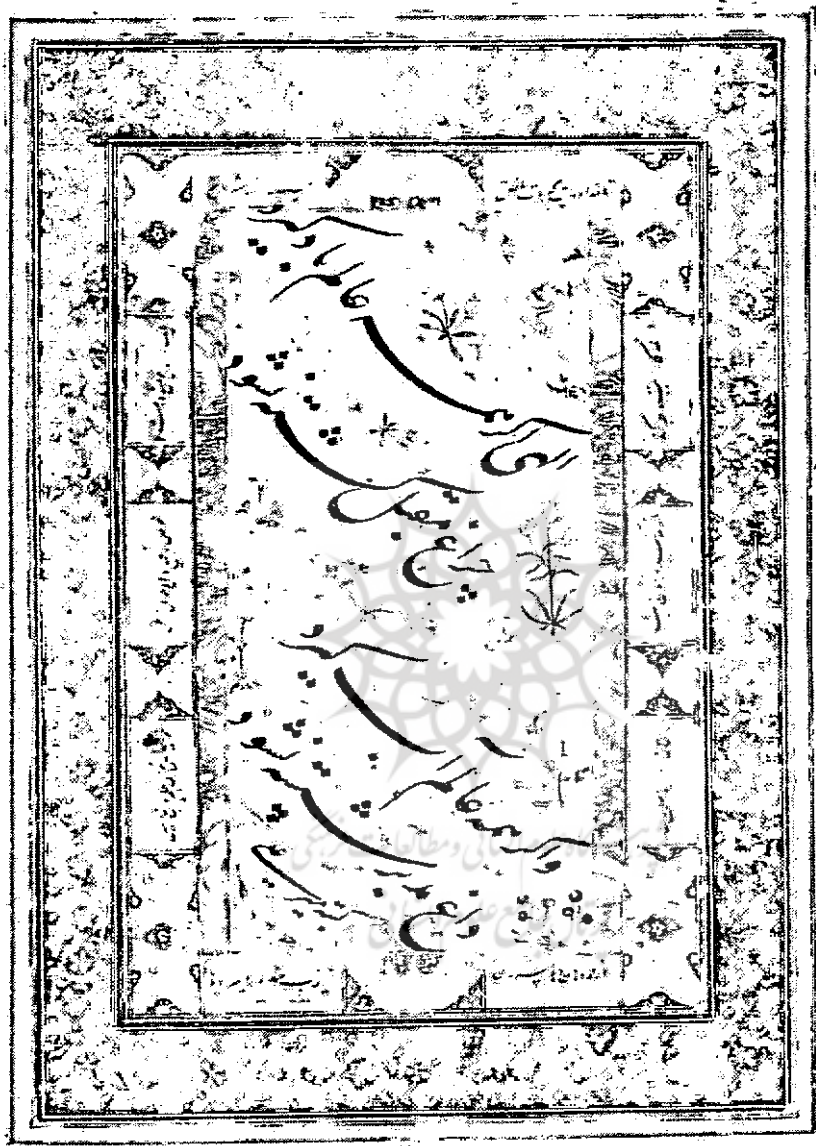
و که خط سلسله پای من مجنون شد
از دیگر اشعار او است:

پنج چیز است که تا جمع نگردد در خط
هست خطاط شدن پیش خرد امر محال
دقت طبع و وقوفی ز خط و خوبی دست
طاقت محنت و اسباب کتابت به کمال
ور از این پنج یکی راست قصوری حاصل

ندهد فایده گر سعی نمایی صد سال
از میرعلی اشعاری به خط خودش در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی وجود دارد.
او در نثر هم دستی داشته و بسیار شیوا می‌نوشته است. رساله‌ای در آداب خوشنویسی به نثر دارد به نام مداد الخطوط.

از آغاز و پیدایش خط نستعلیق و رواج و گسترش آن تا قبل دوران صفویه و ظهور میرعماد بزرگ، به حق خوشنویسی برتر و بهتر از میرعلی ننوشته است. آثار بر جای مانده از او که شامل کتابت‌ها و قطعه‌ها و چلیپا است و زینت‌بخش موزه‌های جهان و مرقعات و مجموعه‌های خصوصی است؛ شاهد این مدعا است.

این نابه عالم هنر خوشنویسی پس از تحمل حدود شانزده سال غربت در سال ۹۵۱ هـ وفات یافت.



اعیان نایه خوانند اگرچه حقایق استیاز غنی نیست اما
استیاز علمی است و چون این مرتبه اعیان نایه متکثره با کثره
الشیئی اعتبار اتصاف وجود خارجی ایشان معدوم اند
می شاید که حضرت مولوی ارستان باعتبار عدیت ^{صد} ا
اعیان و کثرت پسبی ایشان این مرتبه خواسته باشد
یا مرتبه سابق بران و مرتبه ثالثه مرتبه ارواح است
و این را مرتبه ظهور حقایق گویند بسیط مجرد است مر
نفس خود را و مرتبه رابعه عالم مثال است و مرتبه
خامسه عالم اجسام و مرتبه ششم مرتبه جامع است مر
جمع مراتب را و آن حقیقت انبیا کمال است و پوشید

حصہ نیک می جہد از جا تو مرد | کرد پیرایع باکت از جامی حی

ان پانچویں کی تو یکم از خود رس
قدرت سنی کبریت از خود زان غی نر
زنان نامہ امدمنی کار دویانی
باز از شرم کما پویدن

جامی نالہ دل افسکار خود کر | اگر کہ نالہ شینج میدے

نت علی بد العبد المذنب میر علی الکا
فی شہر پستہ اربعین و تعجیہ

